

بسترشناسی استعجال، پیامدها و راهکارها

سیدمهدی مجیدی نظامی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

این مقاله به دنبال تبیین عوامل و پیامدهای استعجال و ارائه راهکار برای مقابله و درمان آن به عنوان نقیصه اخلاقی و معرفتی در حوزه معارف مهدوی علیه السلام است. استعجال هم از آن رو که ناشی از ضعف نفس و نشانه ضعف ایمان و عدم تمکین قلبی در برابر اراده و حکمت الهی است نکوهش شده و هم از آن جهت که مفاسد و پیامدهای بدی به دنبال دارد نکوهیده است. سؤال این است که عوامل استعجال به عنوان یک آسیب در حوزه معارف مهدوی علیه السلام کدام اند؟ و موضع پیشوایان معصوم در برابر آن چیست؟ این پژوهش به صورت نقلی - تحلیلی انجام گرفته و یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ضعف نفس همراه با عواملی مانند: جهل و بی بصیرتی، ضعف ایمان، سودجویی، دنیاطلبی، ناشکیبایی در برابر اراده و حکمت الهی در این مسئله نقش آفرینی می‌کند. عدم تمکین در برابر اراده و حکمت الهی و اقدام به کارهای نابخردانه هم چنین روی آوری به تطبیق و توقیت که هرکدام از آن‌ها نیز مورد نهی و نکوهش واقع شده‌اند و پیامدهای مخربی بر اعتقادات دینی مردم خواهند داشت از پیامدهای استعجال محسوب می‌شوند. هدف پژوهش، بصیرت‌افزایی مؤمنان مهدوی علیه السلام و پیشگیری از انحرافات در حوزه معارف مهدوی علیه السلام است. واژگان کلیدی: معارف مهدوی علیه السلام، استعجال، انحرافات، توقیت، تطبیق و بصیرت‌افزایی.

۱. استادیار گروه سازماندهی اطلاعات و مدارک، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
(m.majidi@isca.ac.ir).

مسئله مهدویت از مسائلی است که با طرح و نقشه الهی برای خلافت الهی در زمین و حکومت صالحان بر سراسر این کره خاکی ارتباط دارد. خداوند در قرآن وعده داده است که صالحان را خلیفه خود در زمین قرار داده (انبیاء: ۱۰۵؛ نور: ۵۵) و دین خود را بر پهنه زمین گسترانده و حاکم گرداند گرچه کافران و مشرکان را ناخوش آید (توبه: ۳۳). این حکومت که در روایات از آن تعبیر به «دولتنا» یعنی: دولت ما اهل بیت علیهم السلام شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۷۲) حکومتی است جهانی که هدفش عدالت‌گستری، در سراسر کره زمین است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۰ و ۸۶). در این حکومت، عدل الهی در تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان حتی در اندرونی خانه‌ها نیز نفوذ خواهد کرد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷)، هیچ فرد نیازمندی در سایه این حکومت نخواهد بود؛ همه در سایه عدل‌گستری مهدوی علیه السلام خود را مستغنی می‌یابند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۱)، عقول مردم جمع و افکارشان کامل شده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۵؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۶۷۵؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۸۰؛ دوانی، ۱۳۷۸: ۱۱۱۵) و حال عموم مردم نیکو می‌شود (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۶۴۷) در زمان آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نعمت، فراوان و مردم در راحتی بوده و از وی رضایت خواهند داشت (ابن حماد ۱۴۲۳ق: ۲۳۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۸؛ اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۱۴۹؛ ازبلی ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۹۸۱). نام و نشانه‌های این شخصیت عظیم الهی در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روایات اهل بیت علیهم السلام به صورت شفاف بیان شده است (ابن حماد ۱۴۲۳ق: ۲۵۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۴۱۱؛ طبرسی ۱۳۷۶ق: ج ۲، ۲۴۰؛ صدر، ۱۴۱۲ق: «ب» ج ۳، ۳۵۸؛ فتلاوی، ۱۴۲۷ق: ۵۰۴).

وجود چنین شخصیت مبارکی، برای مردم، بسیار جذاب و مورد اقبال خواهد بود و آن‌ها بر اساس فطرت خود، به سوی او که برپاکننده حکومت الهی صالحان بر سراسر کره زمین است جذب خواهند شد. موفقیت چنین شخصیتی در انجام مأموریت الهی جهانی، نیاز به نقشه دارد و مقتضای نقشه و حکمت الهی آن بود که ظهور چنین شخصیتی تا فراهم شدن همه جوانب و زمینه‌ها به تأخیر بیفتد (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۴۷۹ و ۴۸۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۲۹۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ۲، ۲۶۱) و به ناچار مدتی در غیبت خواهد بود تا شرایط ظهور او، فراهم شود (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۶-۱۷۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ۲: ۴۸۰-۴۸۲) برای ظهور او نیز علائم و نشانه‌هایی در روایات بیان شده (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۶۲ و ۲۹۰؛ شیخ صدوق،

۱۳۵۹: ج ۱، ۳۲۸ و ۳۳۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۶۸) و برای آن که آمادگی مردم حفظ شود دستور به انتظار مستمر فرج داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۳۳۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۴۱؛ علامه مجلسی ۱۴۰۳ق: ۴، ۱۳۲). در این میان، ممکن است عده‌ای بی‌تابی کنند و تحمل درک زمان غیبت را نداشته باشند و دچار استعجال شوند و حالت تسلیم را از دست بدهند. استعجال در حقیقت، ناشکیبایی در برابر اراده الهی و مطالبه از خداوند تبارک و تعالی است که آن حضرت برخلاف حکمت الهی پیش از موعد مقرر و مهیا شدن تمامی زمینه‌ها و شرایط لازم، ظهور کند. از چنین افرادی در روایات با عنوان «مستعجلون» نام برده شده و جزو هلاک‌شوندگان قلمداد شده‌اند و مورد نکوهش واقع شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۲۶). این پژوهش به دنبال تبیین عوامل و پیامدهای استعجال به عنوان آسیب و انحراف در مباحث مهدوی علیه السلام است. لازم به ذکر است که آسیب‌های حوزه مسائل مهدوی شامل تعداد بیشتری است مانند ادعای مشاهده، تلقی نادرست از مفهوم انتظار، مدعیان مهدویت و مدعیان نیابت (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷)؛ که بررسی تمامی آن‌ها از حوصله یک مقاله خارج است و پرداختن به آن‌ها فرصت‌های دیگری را می‌طلبد.

در خصوص پیشینه این پژوهش، تذکر این مطلب لازم است که تاکنون، تحقیقی به صورت مستقل در این خصوص، یافت نشده است. گرچه در لابه‌لای مباحث مطرح شده در خصوص آسیب‌های یادشده، متعرض آن شده‌اند (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷: ۴۱، ۴۹ و ۵۵) ولی به صورت مستقل و جداگانه نبوده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با مراجعه به اسناد و مدارک موجود در منابع روایی شیعه انجام شده است. نتایج پژوهش، بیانگر آن است که عواملی مانند: ضعف نفس، جهل و بی‌بصیرتی، ضعف ایمان، سودجویی، دنیاطلبی، ناشکیبایی در برابر اراده و حکمت الهی در این مسئله دخیل است. هدف پژوهش، بصیرت‌افزایی مؤمنان مهدوی علیه السلام به منظور پیشگیری از انحرافات در حوزه معارف مهدوی علیه السلام است.

قبل از ورود به اصل مسئله، لازم است ابتدا، به تعریف برخی واژه‌ها پرداخته شود.

مفهوم استعجال

استعجال در لغت از ریشه «عجل» مصدر باب استفعال به معنای شتافتن خواستن، در پیش شدن، شتاب کردن، شتابزدگی و طلب تعجیل امری است پیش از رسیدن وقت آن

(ر.ک: دهخدا، ۱۳۳۷: ۶، ۲۱۷۲؛ نیزر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴۸).

عوامل استعجال

شتابزدگی در تحقق هر امری پیش از رسیدن وقت آن و بدون در نظر گرفتن زمینه‌ها، عوامل و شرایط، مذموم است و علل مختلفی در آن نقش آفرینی می‌کند مانند: جهل و عدم احاطه به جزئیات؛ عجب و مغرور بودن به داشته‌های ناقص؛ احساس عجز و ترس از دست دادن فرصت برای انجام کار در صورت دگرگونی اوضاع. فردی که عجز است به جهت ضعف نفس، حوصله تأمل و تفکر کافی درباره عمل مورد نظر و پیامدهای ناشی از آن را از دست می‌دهد و چون جهل به مسئله دارد و یا احاطه بر جزئیات آن ندارد به خیال این‌که همه شرایط آماده است شتابزده و بدون دانش کافی اقدام می‌کند؛ و گاه به جهت آن‌که به فهم خود، مغرور شده و آن را درست می‌پندارد به سرعت، دیگران را تخطئه کرده و خود را برحق می‌پندارد و بسا دیگران را تحقیر، تجهیل و یا تکفیر می‌کند و بدون تتبع و تحقیق کامل، حکم می‌کند و چه بسا بعداً دچار تبدل رأی شده و گرفتار آرای مختلف و متناقض در یک قضیه می‌شود. گاهی نیز به سبب ترس از دست دادن فرصت، عجله می‌کند «إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۲۳) از این رو خداوند طبق علم، قدرت و حکمت خود عمل می‌کند و به فرموده امام صادق علیه السلام:

ان الله لا يعجل لعبادة العباد؛

خداوند به خاطر عجله بندگان، عجله نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۶).

در گفت‌وگوی امام محمد باقر علیه السلام با زید بن علی در خصوص چگونگی پاسخ به دعوت اهل کوفه برای خروج بر ضد حکومت بنی‌امیه، امام او را نصیحت کرده و از عجله و شتابزده عمل کردن بازمی‌دارد و می‌فرماید:

فَلَا تَعْجَلْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعِجَالَةِ الْعِبَادِ وَلَا تَسْقِنَنَّ اللَّهَ فَتُعْجِرَكَ الْبَلِيَّةُ فَتَضْرَعَكَ؛

عجله نکن که خداوند این‌گونه نیست که به خاطر عجله بندگان، عجله کند و از خدا پیشی‌نگیر که گرفتاری و بلیه ناتوانت کرده و تو را به زمین خواهد زد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۵۷).

همین استعجال و عدم تمکین در برابر سخن امام سبب شد که وی خشمگین شده و طبق

این حدیث، منکر امامت امام باقر علیه السلام شود زیرا در پندار وی، امام کسی است که به پا خیزد و در راه خدا سلاح به دست گیرد و بجنگد نه این که در خانه اش بنشیند و کاری به مبارزه و جهاد نداشته باشد که امام در ادامه با وی مواجه کرده و ناتوانی وی را در شایستگی برای تصدی امامت و رهبری مردم به رخ وی می‌کشد (همان).

ذکر این نکته، مهم است که استعجال مراتبی دارد و هر مرتبه‌ای از آن به تناسب خودش، مورد نکوهش است. هنگامی که خداوند در ماجرای خلقت حضرت آدم علیه السلام به فرشتگان فرمود که در روی زمین خلیفه‌ای قرار خواهد داد؛ فرشتگان که از عمق ماجرا مطلع نبودند متعجب شده و بر طبق برخی روایات از روی حسادت مبتنی بر غفلت (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۵، ۲۵۵) به خداوند گفتند چگونه کسی را جانشین خود در زمین قرار می‌دهد که در زمین افساد کرده و خونریزی می‌کند در حالی که آنان همیشه مشغول تسییح و تقدیس ذات الهی هستند (بقره: ۳۰). آن‌ها هم به توانایی حضرت آدم علیه السلام احاطه علمی نداشتند و هم از محدودیت و ناتوانی خود غافل بودند (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۱۱۶). و بعد از آن که حقیقت ماجرا برای آنان روشن می‌شود با گفتن «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» (بقره: ۳۲) زبان به تنزیه پروردگار گشوده و به عجز و ناتوانی و محدودیت علم خود اعتراف می‌کنند و این، مقتضای طبیعت محدود انسان هست که عجول آفریده شده (اسراء: ۱۱؛ انبیاء: ۳۷؛ نیز رک: سید مرتضی، ۱۹۹۸م: ج ۱، ۴۶۵) و طبق دانسته‌های محدود خود، عمل می‌کند و نسبت به مسائلی که فراتر از درک او است معمولاً اعتراض می‌کند. در ماجرای درخواست همراهی حضرت موسی علیه السلام با حضرت خضر علیه السلام، جناب خضر علیه السلام به ایشان می‌گوید: تو هرگز توان صبر و پایداری با من را نخواهی داشت و سپس با اشاره به علت آن می‌گوید:

«وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا»

چگونه صبر توانی کرد بر آن چه بدان احاطه علمی نداری (کهف: ۶۸).

و علیرغم تعهدی که حضرت موسی علیه السلام به حضرت خضر علیه السلام مبنی بر سکوت و عدم اعتراض داده بود با این حال چون حقایق ماجرای عملکرد حضرت خضر را نمی‌دانست در هر مرحله از مراحل که همراه حضرت خضر علیه السلام شاهد اعمال آن حضرت بود نتوانست تحمل کند و شتابزده به وی خرده می‌گرفت تا این که حضرت خضر علیه السلام گفته خود را مجدداً یادآور شد که: مگر نگفتم تو توان صبر با من را نخواهی داشت (کهف: ۷۲) و پس از تبیین علل کارهای خود از وی جدا شد (کهف: ۷۸). ولی نکته‌ای که مهم است آن است که انسان مؤمن در برابر اراده الهی،

تسلیم است و کسانی که اهل تسلیم نباشند و بخواهند از خواسته الهی پیشی بگیرند اهل هلاکت‌اند. به فرموده امام صادق علیه السلام:

مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا؛

هنگامی که دانستیم خداوند متعال حکیم است و کار عبث، انجام نمی‌دهد تصدیق خواهیم کرد که تمام افعال او حکمت است گرچه جهت فعل الهی برای ما منکشف نباشد (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۴۶).

و مؤمن کسی است که وقتی غفلتی از وی سر بزند به سرعت بازگردد و توبه کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۳۴).

با توجه به مطالب فوق روشن شد که: عوامل متعددی در استعجال نقش دارند از جمله:

۱. جهل و عدم احاطه علمی؛
 ۲. غرور، خود بینی و هوای نفس؛
 ۳. ضعف و ترس از دست دادن فرصت.
- و متقابلاً درمان آن به جبران کمبودهای یادشده است و انسان مؤمن در برابر فعل و تدبیر الهی گرچه شخصاً از عمق ماجرا خبر ندارد ولی چون معتقد است خداوند قادر متعال، تدبیر امور از روی حکمت می‌کند بنابراین در برابر افعال الهی، اهل تسلیم است و اگر لغزشی از وی سر بزند راهکارش توبه و بازگشت است. البته با توجه به این‌که بیان تفصیلی این مسئله و ذکر پیامدهای آن، فرصت جداگانه‌ای می‌طلبد به ناچار از ورود به آن خودداری می‌شود.

استعجال در امر فرج از منظر روایات

استعجال در روایات، نقطه مقابل تسلیم و مورد نکوهش و مایه هلاکت قلمداد شده است. امامان شیعه علیهم السلام، استعجال را به خاطر ناشکیبایی در برابر امر الهی، سبب هلاکت دانسته و نجات را در تسلیم به امر الهی منوط کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۸). بیتابی در برابر حکمت الهی نشانگر ضعف ایمان و بسا موجب واکنش‌هایی در مقام عمل، سرکشی و تلاش برای پیشی گرفتن از اراده خدا و نادیده گرفتن حکمت او در تدبیر امور می‌شود. عجله یعنی شتاب برای رسیدن و به دست آوردن چیزی بدون در نظر گرفتن شرایط، مقدمات و سنجیدن عواقب آن.

عبدالرحمان بن کثیر نقل می‌کند: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که فردی به نام «مهزم»

داخل شد و از زمان وقوع امر فرج پرسید؛ حضرت در پاسخ فرمود: «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ» تعیین کنندگان وقت، دروغ گفته، شتاب کنندگان هلاک شده و اهل تسلیم نجات یافته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴) در برخی روایات از مستعجلان به عنوان «محاضیر» تعبیر شده و از هلاکت آنان سخن به میان آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۷۳). در برخی روایات پس از ذکر حوادث دوران غیبت و ارتداد بیشتر قائلان به امامت امام عصر^{علیه السلام} به طول غیبت آن حضرت و انتظار خروج آن جناب توسط مخلصان اشاره می‌کند و سپس با اشاره به انکار شکاکان، استهزای منکران، دروغ وقتان و هلاک مستعجلان آنان را نکوهش کرده و اهل تسلیم را نجات یافته معرفی می‌کند (شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۳۷۸).

استعجال جدای از پیامدها، به خودی خود، مورد نکوهش است زیرا بیان‌گر ضعف ایمان و ناشکیبایی در برابر اراده و حکمت الهی است. مستعجلان پیش از هر اقدام عملی نیز جزو هالکان اند زیرا در برابر پروردگار حکیم، اهل تسلیم نیستند زیرا به تصریح روایات، تسلیم در برابر اراده الهی، مایه نجات است در روایت نیز از فعل ماضی «هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴) استفاده شده است.

مقصود از استعجال در امر فرج

نکته مهم در مسئله استعجال در امر فرج، توجه به متعلق استعجال است و این که مقصود از استعجال، استعجال در چه چیزی است؟ استعجال در امر فرج به یکی از دو شکل زیر قابل تصور است:

۱. استعجال در فرج کلی؛ چنین امری در عصر ائمه^{علیهم السلام} وجود داشته است و افرادی سعی کردند از امام معصوم^{علیه السلام} جلو بیفتند و برای وی تعیین تکلیف کنند تا طبق آن چه خود گمان کرده‌اند امام معصوم^{علیه السلام} از آن‌ها پیروی کرده و به صلاح دید آن‌ها برای به دست گرفتن حکومت به منظور تحقق امر فرج، قیام کند و ائمه^{علیهم السلام} نیز به شدت با آن مقابله کرده و آن را پیشی گرفتن از دستور خداوند و نقطه مقابل تسلیم در برابر اوامر الهی دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۷۴). استعجال در مقابل تسلیم فرمان الهی در هر امری مذموم است و ائمه^{علیهم السلام} از آن، منع کرده‌اند مانند تلاش برخی در تعجیل برای اسقاط حکومت بنی عباس که امام صادق^{علیه السلام} عجله و بیتابی در این امر را مذمت فرمود و از جا کردن کوه را آسان تر از ازاله ملک و حکومتی می‌داند که هنوز اجل و مدتش به سر نیامده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۷۴).

(و این‌که خداوند با عجله بندگان، عجله نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۹؛ همو: ج ۸، ۲۷۴؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۶) و حکمت و تدبیر خود را رها نمی‌کند.

استعجال با میل و گرایش به پیش افتادن از تدبیر الهی و مخالفت با آن و ناصواب دانستن آن ارتباط دارد؛ از این رو ائمه علیهم‌السلام به شدت از آن نهی کرده و آن را نقطه مقابل تسلیم در برابر دستورات خداوند که وظیفه هر شخص باایمان است دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۹۰؛ همو: ج ۲، ۴۷ و ۳۹۸) و در مقابلِ هلاکتِ مستعجلان، از نجات اهل تسلیم سخن گفته‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴).

۲. استعجال در فرج امام زمان علیه‌السلام: استعجال در فرج امام زمان علیه‌السلام به معنای شتاب‌خواهی در ظهور، پیش از تحقق شرایط ظهور و بدون درک اهمیت و وظایف دوران ظهور و آمادگی برای انجام آن، در روایات به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَاللَّهِ مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ وَمَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛

چرا نسبت به خروج قائم علیه‌السلام عجله می‌کنید؟ قسم به خدا، غذایش، جز غلیظ، طعامش جز جشب (غلیظ و سخت) نیست، خروج قائم علیه‌السلام جز شمشیر و مرگ زیر سایه شمشیر نیست (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۴۳۳).

در نقل شیخ طوسی طعام آن حضرت را با جمله «وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَشِبُ»؛ جُو جَشِب و سخت (نان جو) معرفی می‌کند (شیخ طوسی، شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۶۰). مشابه این مضمون در روایت معلی بن خنیس از امام صادق علیه‌السلام است طبق این حدیث، معلی با امام صادق علیه‌السلام درباره حکومت بنی عباس و برخورداری‌های آن‌ها از نعمت‌ها و امکانات سخن می‌گوید و این‌که اگر حکومت دست شما بود ما نیز همراه شما بهره‌مند می‌شدیم؛ امام در پاسخ چنین می‌فرماید:

هَيْهَاتَ يَا مُعَلَّى أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَاكَ مَا كَانَ إِلَّا سِيَاسَةَ اللَّيْلِ وَسِيَاحَةَ النَّهَارِ وَ لُبْسَ الْحَشِينِ وَأَكْلَ الْجَشِبِ؛

هرگز چنین نخواهد بود. ای معلی! آگاه باش، به خدا سوگند اگر چنان شود (حکومت دست ما باشد) وظیفه‌ای جز تلاش و کوشش شبانه‌روز برای اداره مملکت اسلامی و پوشیدن لباس خشن و خوردن غذای غلیظ و غیر لذیذ نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۱۰).

در برخی روایات نیز از جهاد و خون، تلاش و عرق جبین و خواب برزین‌ها پس از خروج امام زمان علیه السلام (اوایل دوران ظهور) صحبت به میان آمده (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۵) که افراد منتظر باید خود را برای آن آماده کنند و این که استعجال به منظور رسیدن به راحتی، کار راحت طلبان است نه منتظران حقیقی. تذکر این نکته نیز لازم است که استعجال غیر از انتظار فرج و دعا برای آن است که در روایات به آن سفارش شده (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۱۷۴) و پرداختن به آن فرصت مستقلى می‌طلبد (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ۲، ۶۴۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج ۲، ۱۶۴؛ ابومعاش، ۱۴۳۰ق: ۱۲۲؛ صدر، ۱۴۱۲ق «الف»: ج ۲، ۳۶۰).

عوامل استعجال در امر فرج

۱. جهل نسبت به حکمت و تدبیر الهی؛
 ۲. تردید و دودلی در برابر حکمت الهی و عدم تمکین کامل قلبی نسبت به آن؛
 ۳. ضعف اراده و ناشکیبایی در برابر مشکلات؛
 ۴. دنیاخواهی و راحت‌طلبی.
- کسی که به خدا ایمان دارد به فرموده امام صادق علیه السلام نسبت به حکمت خدا و حکیمانه بودن افعال الهی تردیدی به خود راه نمی‌دهد؛ او می‌داند که خداوند حکیم است و کار عبث، انجام نمی‌دهد حتی اگر جهت فعل الهی برای او منکشف نباشد (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۴۶) چنین شخصی صبر در برابر مشکلات را پیشه خود می‌سازد و دنیاطلبی را که در روایات، بسیار مورد نکوهش قرار گرفته و سرمنشأ هر لغزشی معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۱۵) مردود می‌داند.

در برخی روایات ریاست طلبی، راحت طلبی، حب ثروت، برتری طلبی و مقام پرستی ناشی از دنیاخواهی شمرده شده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۳۱) و در خصوص راحت طلبی و دنیاخواهی مؤمنان در مسئله مهدوی علیه السلام هشدار داده شده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش ابو بصیر در خصوص زمان فرج، می‌فرماید:

يَا أَبَا بَصِيرٍ وَأَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا، مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِحَ عَنْهُ لَا يَتَنَظَّرُهُ؛

ای ابابصیر تو نیز از زمره کسانی هستی که دنیا را می‌خواهند، (سپس با اشاره به اهمیت مسئله معرفت می‌فرماید:) کسی که معرفت به این امر داشته باشد و انتظار آن را بکشد، برای او فرج و گشایش حاصل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۷۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۳۰).

توجه به این نکته نیز مهم است که مراد از معرفت در این جا، صرف اطلاع نیست بلکه مراد از آن، پذیرش آگاهانه در مقابل انکار به سبب درک ناقص از مسئله است از این رو در حدیث جنود عقل و جنود جهل، معرفت از جنود عقل و ضد آن، انکار معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۲؛ نیز ر.ک: علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۱۳). در نقل دیگری ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره امر فرج، و دستیابی به آسایش و زندگی راحت سؤال می‌کند و می‌پرسد:

مَا هَذَا الْأَمْرِ أَمْدٌ يُنْتَهَى إِلَيْهِ وَيُرِيحُ أَبْدَانَنَا؟ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ أَدَعْتُمْ فَأَخَّرَهُ اللَّهُ؛

آیا برای این امر، زمان معینی نیست که بدان منتهی شود و (در نتیجه) بدن‌های ما را راحت کند؟ امام فرمود: آری؛ لیکن شما، آن را افشا کردید پس خداوند به تأخیرش انداخت (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۸).

مضمون پرسش، بیانگر سختی شرایط زمانه و کلافه شدن سؤال‌کننده از وضع موجود و مطالبه آسایش و رهایی از آن است که طبق بیان امام انسان باید در این امور صبر و استقامت را پیشه خود کند.

پیامدهای استعجال در امر فرج

علاوه بر نکوهش خود استعجال که نشانگر سستی ایمان مستعجل است، استعجال، پیامدهای نکوهیده‌ای نیز دارد از جمله:

۱. مخالفت با حکمت و تدبیر الهی

نخستین پیامد استعجال، مخالفت با امر و تدبیر خداوند سبحان و اقدام به ارتکاب کارهایی است که نقطه مقابل تسلیم در برابر پروردگار است که هر مسلمانی باید به آن باور داشته باشد و بدین لحاظ، مایه هلاکت قلمداد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴).

۲. توقیت

توقیت در امر ظهور دو نوع است توقیت همسو با تعجیل و توقیت همسو با تأجیل. بیشترین مصادیق توقیت، مرتبط با شتابزدگی و استعجال در امر ظهور است که در روایات از آن نهی شده است. روایات وارد شده از ائمه اهل بیت علیهم السلام بیانگر آن است که ائمه علیهم السلام وقت معینی را برای ظهور ذکر نکرده‌اند و تعیین‌کنندگان وقت ظهور را دروغ‌گو خوانده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹ و ۲۹۴) و تأکید کرده‌اند که خداوند ابا دارد که آنان در این امر،

موفق شوند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹ و ۲۹۴) و وظیفه مردم را دوری از توقیت‌کنندگان و تکذیب آنان دانسته‌اند و این‌که مردم در تکذیب نسبت‌دهندگان توقیت به ائمه علیهم‌السلام نباید هیچ هراسی به خود راه دهند و آنان در حقیقت، دروغگویی بیش نیستند. محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت به وی فرمود:

يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَحْبَبَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكْذِبَهُ فَإِنَّا لَا نُؤَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا؛

ای محمد، کسی که از جانب ما به تو خبر از توقیتی دهد پس در تکذیب وی بیمی به خود راه مده؛ زیرا ما برای احدی، وقتی را تعیین نکرده‌ایم (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹).

در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام به ابوبصیر می‌فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُؤَقِّتُ وَ قَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ ﷺ كَذَبَ الْوَقَائِثُونَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ مَسَّ عَلَامَاتٍ؛

ما اهل بیته هستیم که تعیین وقت نمی‌کنیم و به درستی که حضرت محمد ﷺ فرمود: وقت تعیین‌کنندگان، دروغ، گفته‌اند (سپس امام با اشاره به نشانه‌های ظهور می‌فرماید) ای ابامحمد (کنیه ابو بصیر) پیش از این امر، پنج علامت است... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹).

که امام ندا در ماه رمضان، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نفس زکیه و خسف در بیداء را به عنوان نشانه‌های پیش از ظهور معرفی می‌کنند. مفضل بن عمر از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: «هل للمأمور المنتظر المهدى علیه‌السلام من وقت موقت يعلمه الناس» یعنی: آیا برای ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام وقت معینی هست که مردم آن را بدانند؟ که امام در پاسخ با جمله «حاش لله أن یوقَّت ظهوره بوقت یعلمه شیعتنا» تعیین وقت برای آن را به جوری که شیعیان آن را بدانند به شدت نفی می‌کند و با بیان «ان من وقت لمهدینا وقتا فقد شارک الله تعالی فی علمه و ادعی انه ظهر علی سزه» آن را جزو اسرار الهی و تعیین وقت برای ظهور را همسان مشارکت در علم الهی و ادعای اطلاع بر اسرار خداوند متعال ذکر می‌کند (عزالدین حلی، ۱۳۷۹: ۳۴۳-۳۴۴؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱-۳) در حدیث دیگری امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

كَذَبَ الْمُؤَقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَصَىٰ وَلَا نُؤَقِّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ؛

یعنی تعیین‌کنندگان وقت ظهور، دروغ می‌گویند و ما نه در گذشته تعیین وقت کردیم و نه در آینده تعیین وقت خواهیم کرد (شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۲۶).

بنابراین تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغگویند و نسبتی با اهل بیت علیهم‌السلام نداشته و

قابل اعتماد نیستند و کسانی که تاکنون ادعای توقیت کرده‌اند رسوا شده‌اند (ر.ک: نه‌اوندی، ۱۳۸۶: ج ۷، ۳۶)

متأسفانه علیرغم همه این تأکیدها، احیاناً شاهد توقیت هستیم و معمولاً هم به‌عنوان نقل قول از برخی بزرگان، بیان می‌شود. یوسف بن حاتم شامی در کتاب *الدر المنظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم* چنین نقل می‌کند:

حدّثنی بعض أصحابنا، قال: حدّثنی بعض مشایخی: إنّ ظهور القائم فی سنة أربعین و ستمائة من فروردین ماه؛

بعض اصحاب ما به من گفته است که بعض مشایخ وی به ایشان خبر داده که ظهور قائم در سال ۶۴۰ و در ماه فروردین آن سال خواهد بود (شامی عاملی، ۱۴۲۰: ق: ۷۵۹).

نمونه دیگر آن در عصر حاضر، ادعای دهه هشتاد شمسی به‌عنوان دهه ظهور است (سجادی، ۱۳۸۴) که با سپری شدن موعد این توقیت‌ها، نادرستی این قبیل ادعاها آشکار می‌شود (ر.ک: رنجبری حیدرباغی، ۱۳۹۲: ۲۳-۵۶).

نکته‌ای که توجه به آن مهم است این است که تعیین وقت، گاه در جهت تضییق دایره و نشان دادن قرب ظهور است و گاه در جهت توسعه و تأجیل زمان فرج و دور انگاشتن ظهور است و هر دو مردودند. توضیح این‌که: خود نزدیک انگاشتن ظهور، خوب است و در روایات بر آن تأکید شده تا آمادگی مردم حفظ شود و دور انگاشتن آن، بد است چون سبب بی‌توجهی، غفلت و قساوت قلب مردم خواهد شد ولی این بدان معنی نیست که برای ظهور، وقت تعیین شود زیرا در پی عدم تحقق ظهور در کوتاه‌مدت، شور و حرارت مردم به یأس تبدیل شده، پایه‌های ایمانی آن‌ها سست شده و به معارف دینی بدبین و بی‌اعتقاد خواهند شد هم‌چنین اگر برای مدت دورتری تعیین وقت ظهور شود نیز همین مشکلات به شکل دیگری پیش خواهد آمد زیرا مردم در آن صورت نیز بی‌خیال ظهور حجت‌الهی شده و با اعتقاد به این‌که مثلاً تا ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال دیگر خبری نیست، نسبت به احکام دین بی‌توجه شده و بسیاری نیز از اسلام بازخواهند گشت و راه درست همان است که ائمه علیهم‌السلام از نزدیکی فرج و سرعت وقوع آن خبر دادند تا دل‌های مردم پیوند بخورد و ارتباط آن‌ها با دین و حجت‌الهی حفظ شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۲۹۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵: ق: ۳۴۲).

۳. تطبیق

از جمله پیامدهای استعجال، روی آوری به تطبیق برای توجیه پندارهای باطلی است که

گریبان مستعجل را گرفته و او چاره ای جز توجیه و تطبیق برخی جریانات بر حوادث مرتبط با ظهور را نمی بیند تطبیق به دو شکل قابل تصور است:

۱. ادعای تطبیق در خصوص شخصیت منجی؛ مانند متمدیان و مدعیان دروغین مهدویت و یا کسانی که در مورد آنان، ادعای تطبیق شده است گرچه خودشان چنین چیزی را ادعا نکرده اند (پورسیدآقایی، جباری، عاشوری و حکیم ۱۳۸۳: ۴۰۶؛ صادقی، ۱۳۸۵: ۶۸).

۲. ادعای تطبیق در مورد جریانات و حوادث نزدیک ظهور؛ مانند مستند «ظهور نزدیک است» (ویکی پدیا، آذر ۱۳۹۷؛ تبیان، دی ۱۳۹۷) و یا ادعای انطباق ظهور برخی جریانات انحرافی از قبیل داعش بر خروج سفیانی (ر.ک: امیری، ۱۳۹۷؛ هم چنین ر.ک: رایحه ظهور، ۱۳۹۷؛ فردا نیوز، ۱۳۹۷) یا ادعای انطباق سفیانی بر ملک عبدالله ۱۹۶۲- پادشاه اردن معروف به عبدالله دوم (پارسینه، آذر ۱۳۹۷؛ نیز ر.ک: ویکی پدیا، آذر ۱۳۹۷)

ائمه علیهم السلام با ذکر ویژگی های منجی، و ویژگی های علائم ظهور به ویژه علائم حتمی ظهور، معیار را بیان و حجت را تمام کرده و جلوی تطبیق نابجا را گرفتند و در مقابل برخی که تلاش داشتند عنوان «مهدی» را به عنوان کسی که برای نجات مردم و عدالت گستری جهانی قیام می کند بر خود آنان منطبق سازند نیز موضع گیری کردند، آن ها را راهنمایی کرده و خطای آن ها را گوشزد کرده اند و با ذکر این که این کار برای شخص خاصی، میسر می شود به تبیین ویژگی های «مهدی موعود»، «عصر مهدوی» و نشانه های پیش از ظهور، پرداخته اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۶ق: ج ۲، ۲۴۰) و در برخی روایات، امام در پاسخ سؤال از «قائم» از القاب امام زمان علیه السلام (ابن صباغ، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۱۰۴؛ حسینی شوشتری، ۱۴۰۹ق: ج ۱۳، ۹۰)، ضمن نفی خود به عنوان «قائم» به مفهوم ویژه آن، به بیان ویژگی های آن حضرت پرداخته (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۹؛ نیز ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱، ۵۳۶) و زمینه تطبیق ناروا در مسئله مهدویت را سد می کند تا مردم در تطبیق، دچار مشکل نشوند.

۴. امیدواری کاذب و تضعیف اعتقادات

معمولاً چنین اشخاصی به سبب همان استعجال که بدان مبتلا شده اند پس از سپری شدن شرایط موجود و عدم تحقق پندارهای پیشین، به جای تخطئه خود و تصحیح باورهای غلط گذشته و بدون تحقیق کامل و آسیب شناسی پندار و کردار خود معمولاً باز به صورت شتابزده عمل می کنند و چه بسا به تخطئه اصل باور و تشکیک در ایمان به اصل مهدویت گرفتار شد و دیگران را نیز به شک و تردید می اندازند.

ویژگی نشانه‌های ظهور

روایات نشانه‌های ظهور به‌ویژه نشانه‌های حتمی ظهور بیانگر لزوم تحقق دو چیز است: اول؛ اصل تحقق نشانه‌ها، دوم؛ چگونگی و نحوه تحقق آن‌ها شامل: زمان، مکان، هم‌زمانی و ترتیب وقوع آن‌ها (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۶۲ و ۳۰۲) و مجموع این دو، جزو نشانه‌های ظهور محسوب می‌شود مانند خروج سفیانی پس از خروج شیصبانی (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۲)، خروج سفیانی در رجب (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۰ و ۳۰۲)، خروج همزمان یمانی و سفیانی در یک روز (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۴۷)، خروج سفیانی از شام و یمانی از یمن (شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۳۲۸) بنابراین اگر کسی بدون وقوع این نشانه‌ها، در حوزه مهدویت ادعایی کرد، دلیلی بر لزوم پیروی از وی نداریم بلکه دلیل، برخلاف ادعای وی، قائم است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۲؛ امین، ۱۴۲۹ق: ۱۷۵)؛ در نتیجه اگر حوادثی مشابه آن چه در روایات به‌عنوان نشانه‌های حتمی ظهور ذکر شده، رخ بدهد ولی قیدهای یادشده، به وقوع نپیوندد مانند خروج یمانی قبل از سفیانی یا خروج یمانی از غیر یمن نمی‌توان سخن از تطبیق به میان آورد و اگر کسی با استناد به وقوع نامنظم حوادث، ادعای تطبیق کند یا جاهل است یا جاعل و منحرف و باید مهر بطلان بر آن زد؛ شاهد این مدعا، روایاتی است که در تکذیب برخی جریان‌های انحرافی در زمان ائمه علیهم‌السلام وارد شده و امام به استناد این‌که چون پیش از این حادثه، هنوز حادثه دیگری که باید قبل از آن، تحقق می‌یافت، تحقق نیافته مهر بطلان بر آن می‌زد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۳؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۴۸۷؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۲۳۳).

مواردی از تطبیق در منابع تاریخی ثبت شده که انسان، شگفت‌زده می‌شود زیرا دلایل عدم انطباق، کاملاً روشن است. در کتب ملاحم و فتن و احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه‌السلام آمده که شخصی به نام ابراهیم بن میسره با توجه به دیدگاه وی درباره عدالت‌گستری عمر بن عبدالعزیز خلیفه عباسی در خصوص انطباق «مهدی» بر وی، دچار شک و تردید می‌شود و از شخصی به نام طاووس در این باره، سؤال می‌کند و ایشان با بیان عبارت «لا، إنه لم یستكمل العدل کله» چنین توهمی را به دلیل آن‌چه ایشان عدالت‌گستری فراگیر نداشته رد می‌کند (ابن حماد، ۱۴۲۳ق: ۲۵۲؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: ۶۰).

برخی نیز ادعا کرده‌اند که برخی نشانه‌های ظهور مانند خرابی دیوار مسجد کوفه، قتل پادشاه مصر به دست مردم مصر، انقراض حکومت بنی عباس، مرگ عبدالله آخرین پادشاه بنی عباس واقع شده است (شامی عاملی، ۱۴۲۰ق: ۷۵۹؛ حلی، رضی الدین، ۱۴۰۸ق: ۷۷؛ نیز

ر.ک: آیتی، آذر ۱۳۹۷) درحالی که صدها سال از وقوع آن گذشته است. جالب است که در کتاب *العدد القویة* در خصوص إخبار به شکافتن رودخانه فرات و سرازیر شدن آب به کوچه‌های کوفه برای اثبات صحت ادعای تطبیق، با توجه به اینکه هنوز این بخش از إخبار، محقق نشده بود ناچار می‌شود برای آن، راه‌حلی، پیدا کند؛ ایشان با تعبیر «وَ انْشِقَاقِ الْفُرَاتِ وَ سَيَصِلُ الْمَاءُ اِنْ شَاءَ اللهُ اِلَى اَرْقَةَ الْكُوفَةِ» با تعبیر «اِنْ شَاءَ اللهُ» از تحقق آن در آینده خبر می‌دهد و تلاش می‌کند این بخش پازل را تکمیل کند (حلی، رضی الدین، ۱۴۰۸ق: ۷۷) هم‌چنین در ذیل حدیث درباره إخبار پیامبر ﷺ به خراب بصره به دست یکی از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام که زنگی‌ها از او پیروی می‌کنند «خَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَيَّ يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ يَتَّبَعُهُ الزُّنُوجُ» (شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۲۵۱)، برخی آن را بر خروج علی بن محمد صاحب الزنج از شرق بصره که به مدت ۲۰ سال طول کشید و با ویرانی و کشتار بیش از صد هزار انسان منجر شد منطبق دانسته؛ برخی نیز با توجه به این که صدها سال از این واقعه می‌گذرد از تقسیم علائم پیش از ظهور، به علائم قریبه و علائم بعیده سخن گفته و آن را جزو علائم بعیده شمرده‌اند؛ ضمن این که برخی نیز از احتمال تکرار این حادثه در آینده سخن گفته‌اند (ر.ک: جزایری، ۱۴۲۷ق: ج ۳، ۱۷۷؛ تبریزیان، ۱۴۲۵ق: ۴۶۷؛ عاشور، ۱۴۲۷ق: ج ۱۹، ۱۷۴-۱۷۵؛ نیزر.ک: سلیمان، ۱۴۲۷ق: ۵۴۴). در حالی که بسیاری از این حوادث، مربوط به ملاحم و فتن است و مربوط به إخبار از حوادثی است که در دوره‌های بعد از پیامبر ﷺ رخ می‌دهد و بدین لحاظ شامل دوران غیبت و پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز می‌شود بدون آن که ناظر به نشانه‌های ظهور باشد (ر.ک: حدیث نت، دی ۱۳۹۷).

نمونه دیگر، استظهار تطبیق درباره برخی نشانه‌ها است. مانند ادعای تطبیق روایت مرگ عبدالله و تداوم اختلاف پس از آن و اتصال آن به دوران ظهور امام زمان علیه السلام (شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۴۷) بر خلیفه عباسی، عبدالله بن منصور معروف به مستعصم، آخرین خلیفه عباسی، ۶۰۹-۶۵۶ق. (امین، ۱۴۲۹ق: ۱۸۲؛ نیزر.ک: ویکی‌پدیا، آذر ۱۳۹۷) یا ادعای انطباق آن بر حاکم حجاز، ملک عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود ۱۹۲۴-۲۰۱۵م (ر.ک: بهشتی، ۱۳۹۷؛ نیزر.ک: ویکی‌پدیا، آذر ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد حتی به صورت استظهار در این گونه موارد نمی‌توان سخن گفت و نهایت چیزی که ممکن است همین جمله «ممکن است» می‌باشد و همین مقدار نیز باید وجهی داشته باشد و با در نظر گرفتن مجموع نشانه‌ها و امکان تحقق آن به عنوان بخشی از دیگر اجزا، سخن از احتمال انطباق زده شود؛ لاقلاً در برخی موارد که هنوز،

چند و چون آن مشخص نیست نباید عجله کرد و سیر حوادث را رصد کرد و به صورت احتمال به آن نگرست بدون آن که سخنی از تطبیق زده شود.

مرحوم علامه مجلسی نیز پس از نقل روایتی درباره قومی از مشرق که حق را مطالبه می‌کنند و پس از آن که حق به آن‌ها داده نمی‌شود خروج کرده و در نتیجه حکومت و قدرت را به دست می‌گیرند و آن را جز به صاحب این امر یعنی حضرت مهدی عج نمی‌سپارند. با تعبیر «لا یبعد أن یکون إشارة إلى الدولة الصفویة شیدها الله تعالی و وصلها بدولة القائم عج» از احتمال تطبیق آن، بر دولت صفویه سخن می‌گوید (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۳۴۳؛ همو: ۱۳۸۶، ۵۶) در این جا گرچه سخن از تطبیق قطعی نیست؛ زیرا ایشان متوجه این نکته بودند که برخی نشانه‌ها مانند صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خسف در بیداء و... که بسیاری از آن‌ها جزو علائم حتمی ظهور، ذکر شده‌اند هنوز تحقق نیافته است و بدین سبب از خداوند، درخواست می‌کند که دولت صفویه را تا زمان ظهور امام زمان عج مستدام داشته و مصداق آن قرار دهد ولی همین مقدار هم به نظر می‌رسد از اتقان کافی برخوردار نیست و ممکن است نوعی شتابخواهی و استعجال از آن استشمام شود. به نظر می‌رسد به جهت دلبستگی فراوانی که شیعیان به مسئله ظهور حجت الهی داشتند و دارند هرگاه حوادثی از این دست رخ نماید تفأل خیر زده و به یاد محبوب خود، آرزوی خود را اظهار می‌کنند و آن را وسیله‌ای برای آمادگی خود جهت امتثال امر انتظار فرج در هر صبح و شام می‌دانند و بدین لحاظ، این عمل ممکن است بارها و بارها تکرار شود بی‌آن که مدعی تطبیق باشند.

استعجال یعنی نادیده گرفتن پازل نشانه‌های ظهور که ائمه عج وقوع آن و نیز ترتیب وقوع آن را برای هدایت مردم و تمییز صحیح از ناصحیح به عنوان معیار برای مردم بیان کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

استعجال، در روایات مورد نکوهش واقع شده و به شدت از آن نهی شده است. عواملی مانند جهل، کم‌معرفتی و بی‌بصیرتی؛ نقصان در ایمان، ناشکیبایی در برابر تدبیر و حکمت الهی؛ ابتلا به خودخواهی، شره، هوی و هوس، مریدبازی و دنیاطلبی بستر ساز استعجال، توقیت و تطبیق است. سخن و عمل کسانی که در امر ظهور و انتظار فرج عجله می‌کنند، با آموزه‌های اهل بیت عج همخوانی ندارد و گوش سپردن به آن‌ها مایه گمراهی و هلاکت است و پیامدهای ناگوار و مخربی بر پایه‌های ایمانی مردم خواهد داشت و باید از آن‌ها پرهیز کرد بلکه با استناد به روشنگری‌های اهل بیت عج به مقابله با آن‌ها و روشنگری پرداخت.

روایات نشانه‌های ظهور به‌ویژه نشانه‌های حتمی ظهور، به‌صورت یک بسته کامل، ضمن بیان اصل حوادث پیش از ظهور، به بیان کیفیت وقوع و ویژگی‌های آن نیز پرداخته است و مجموع آن‌ها به‌عنوان اجزا و شرایط حوادث پیش از ظهور، پازلی را نشان می‌دهد که باید، قطعات آن به ترتیب خاصی، کامل شود و تحقق آن، به هر شکل دیگری به‌جز آن‌چه در روایات آمده، نمی‌تواند بیانگر تکمیل قطعات این پازل باشد. کوتاهی در روشنگری و بصیرت‌افزایی در این خصوص، انحراف و ناامیدی مردم و شک و تردید نسبت به معارف مهدوی و آموزه‌های دینی را در پی خواهد داشت.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، اول، ۱۳۶۷.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الاعتقادات*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، دوم، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *علل الشرايع*، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۸۵.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۵۹.
۶. ابن حماد، نعیم، *الفتن*، بیروت، دارالکتب العلمیة، دوم، ۱۴۲۳ق.
۷. ابن صباغ، علی بن محمد، *الفصول المهمة في معرفة الأئمة*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، اول، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقانیس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابومعاش، سعید، *الإمام المهدي عليه السلام في القرآن والسنة*، مشهد، آستانه مقدس رضوی، مجمع البحوث الإسلامية، سوم، ۱۴۳۰ق.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة في معرفة الأئمة*، قم، الشریف الرضی، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۲. اصفهانی، محمدتقی، *مکیال المکارم في فوائد دعاء للقائم عليه السلام*، قم، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، پنجم، ۱۴۲۸ق.
۱۳. امیری، مصطفی، *آیا داعش، از نشانه‌ها و مقدمات خروج سفیانی است؟ / آیا داعش، همان سفیانی است؟*، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس: <http://www.rajanews.com/news/213239>
۱۴. امین عاملی، محسن، *ترجمة الإمام المهدي عليه السلام في أعيان الشيعة*، قم، دلیل ما، سوم، ۱۴۲۹ق.

۱۵. آیتی، نصرت‌الله، معیارهای تطبیق نشانه‌های ظهور، مشرق موعود، شماره ۲۳ به نقل سایت
 حوزة نــــت، (آذر ۱۳۹۷) قابــــل دســــتــــرس در آدرس:
<https://hawzah.net/fa/Article/View/95293>
۱۶. بدری، سامی، شبهات ورود، قم، نشر حبیب، دوم، ۱۴۱۷ق.
۱۷. بهشتی، سیدمصطفی، مرگ ملک عبدالله در روایات ظهور، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://article.tebyan.net/292913>
۱۸. پارسینه، «سفینی» همان ملک عبدالله پادشاه اردن است، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://www.parsine.com/fa/news/19187/>
۱۹. پورسیدآقایی، سیدمسعود؛ جباری، محمدرضا؛ عاشوری، حسن؛ حکیم، منذر، تاریخ عصر
 غیبت، قم، حضور، دوم، ۱۳۸۳.
۲۰. تبریزیان، عباس، العد التنازلی فی علائم الظهور المهدی علیه السلام، بیروت، دارالآنر، اول، ۱۴۲۵ق.
۲۱. تیبیان، تطبیق در امر ظهور حرام است، (دی ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://article.tebyan.net/172551>
۲۲. جعفری، محمدصابر، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی
 موعود علیه السلام، چهارم، ۱۳۸۷.
۲۳. جمعی از محققان، پایگاه اصطلاح‌نامه اخلاق، (آبان ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<http://thesaurus.isca.ac.ir/>
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسراء، ششم، ۱۳۸۷.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت، دارالعلم
 للملایین، اول، ۱۳۷۶ق.
۲۶. حدیث نت، ملاحم و فتن یعنی چه و ارتباطشان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام چیست؟، (دی
 ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس: <http://hadith.net/post/51616>
۲۷. حسینی شوشتری، نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم، کتابخانه عمومی حضرت
 آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۲۸. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی،
 چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۹. حلی، رضی‌الدین علی بن یوسف، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، محقق: مهدی رجائی و
 محمود مرعشی، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
۳۰. حیدری، سیدکمال، مقدمه فی علم الأخلاق، قم، دار فراق، دوم، ۱۴۲۷ق.

۳۱. دوانی، علی، *مهدی موعود*، تهران، اسلامیة، بیست و هشتم، ۱۳۷۸.
۳۲. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، سیروس، اول، ۱۳۳۷.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ق.
۳۴. رایحه ظهور، *آیا فتنه بزرگ شام آغاز شده است؟*، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس: <http://www.u313.ir/chat/item/935-1391-01-30-13-46-38.html>
۳۵. رنجبری حیدرباغی، احمد، «گزارشی از توقیت‌ها در گستره تاریخ»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، ش ۵، تابستان ۱۳۹۲.
۳۶. سبحانی، جعفر، *الأضواء علی عقائد الشيعة الإمامية*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۳۷. سبحانی، جعفر، *الإلهيات علی هدی الكتاب والسنة والعقل*، قم، مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة، سوم، ۱۴۱۲ق.
۳۸. سبحانی، جعفر، *البداء فی ضوء الكتاب والسنة*، بیروت، دارالأضواء، دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۹. سجادی، سیدحسین، *دهه هشتاد دهه ظهوران شاء الله*، مشهد، هاتف، اول، ۱۳۸۴.
۴۰. سجادی، سیدجعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سوم، ۱۳۷۳.
۴۱. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیه السلام*، قم، دارالمجتبی، اول، ۱۴۲۷ق.
۴۲. سیدمرتضی (علم الهدی)، علی، *أمالی المرتضی*، قاهره، دارالفکر العربی، اول، ۱۹۹۸م.
۴۳. شامی عاملی، یوسف بن حاتم، *الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهمم*، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۲۰ق.
۴۴. صادقی، مصطفی، *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۸۵.
۴۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام*، قم، مکتبه آیه الله العظمی الصافی گلپایگانی، وحدة النشر العالمیة، اول، ۱۳۸۰.
۴۶. صدر، سیدمحمد، *تاریخ الغیبة الكبرى*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۲ق «الف».
۴۷. صدر، سیدمحمد، *تاریخ ما بعد الظهور*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۲ق «ب».
۴۸. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء

التراث، اول، ۱۳۷۶.

۵۰. طبری آملی، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم، بعثت، اول، ۱۴۱۳ق.

۵۱. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة (کتاب الغیبة للحجة)*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، سوم، ۱۴۲۵ق.

۵۲. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتعجد*، بیروت، مؤسسة فقه الشيعة، اول، ۱۴۱۱ق.

۵۳. طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد، *الجواهر النضید*، قم، انتشارات بیدار، پنجم، ۱۳۷۱.

۵۴. عاشور، علی، *موسوعة أهل البيت*، بیروت، اول، ۱۴۲۷ق.

۵۵. عاملی، جعفر مرتضی، *دراسة فی علامات الظهور*، بیروت، چهارم، ۱۴۲۴ق.

۵۶. عزالدین حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر البصائر*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، اول، ۱۳۷۹.

۵۷. غزالی (ابوحامد)، محمد بن محمد، *الأربعین فی اصول الدین*، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۰۹ق.

۵۸. فتلاوی، مهدی حمد، *نهج الخلاص*، بغداد، مکتبه الشهاب الثقاب، اول، ۱۴۲۷ق.

۵۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.

۶۰. فردا نیوز، *تفاوت ها و شباهت های داعش و سفیانی / حدیثی که می تواند درباره داعش باشد / آیا داعشی ها به ایران حمله می کنند؟*، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://www.fardanews.com/fa/news/466467>

۶۱. فیض کاشانی (ملا محسن کاشانی)، محمد بن مرتضی، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چهارم، ۱۳۷۶.

۶۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ق.

۶۳. قنبریان، محسن، *وظایف استراتژیک دولت زمینه ساز، مجموعه آثار سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت*، ج ۲، قم، موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، اول، ۱۳۸۶.

۶۴. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.

۶۵. جمعی از محققان، *موسوعة نصره النعیم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم*، جده، دارالوسيلة، چهارم، ۱۴۲۶ق.

۶۶. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی (الأصول والروضة)*، تهران، المکتبة الإسلامية، اول، ۱۳۸۲ق.

۶۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۶۸. مجلسی، محمدباقر، کتاب رجعت، قم، دلیل ما، چهارم، ۱۳۸۶.
۶۹. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.
۷۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، اول، ۱۳۸۶.
۷۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۷۲. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر عليه السلام، قم، مسجد مقدس جمکران، سوم، ۱۴۲۸ق.
۷۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، قم، هجرت، ششم، ۱۳۷۸.
۷۴. نعمانی (ابن ابی زینب)، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.
۷۵. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان، محقق و مصحح: صادق برزگر، قم، مسجد مقدس جمکران، اول، ۱۳۸۶.
۷۶. ویکی پدیا، ظهور بسیار نزدیک است، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۷۷. ویکی پدیا، عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۷۸. ویکی پدیا، عبدالله دوم، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۷۹. ویکی پدیا، مستعصم، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

